

قانون کار و توسعه صنعتی در اقتصاد ایران

ابوالقاسم مهدوی*

وحید مهربانی**

چکیده

ادبیات اقتصاد توسعه، نهادها را به منزله بستری معرفی می‌کند که بدون آن رشد و توسعه اقتصادی به طور کامل محقق نخواهد شد. قوانین و مقررات از جمله نهادهایی است که در جهت‌گیری فعالیت‌های اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کنند و بارزترین نمود آن در ایران، قانون کار است. این قانون در سال ۱۳۶۹ دستخوش اصلاحاتی شد که عمدتاً معطوف به حمایت از قشر کارگر بود و در مقایسه با قانون کار قبلی، پرداختی‌های بیشتری را متحمل کارفرمایان ساخت. در این مقاله، آثار این اقدام در بخش صنعت بررسی می‌شود. در حالی که استدلال‌های نظری پیامدهای مختلف و متضادی را اظهار می‌کنند، یافته‌های مطالعه حاضر که با استفاده از داده‌های ترکیبی مربوط به کارگاه‌های دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر برای دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۱ به دست آمده‌اند، حکایت از آن دارند که تغییرات قانون کار در ایران توانسته است به رشد سهم صنایع از کل اقتصاد کمک و توسعه صنعتی ایران را تسهیل کند.

واژگان کلیدی

قانون کار، تغییرات ساختاری، صنعتی شدن، توسعه اقتصادی.

Email: mahdavi@ut.ac.ir

Email: vmehrbani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۱۶

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۱/۲۱

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۶۱ / زمستان ۱۳۹۰ / صص ۲۴۶-۲۳۳

مقدمه

از مهم‌ترین اقدامات در کشورهای در حال توسعه به منظور بسترسازی برای فرایند توسعه اقتصادی، ایجاد محیط نهادی مناسب برای کسب و کار است. تحولات نهادی همسو با رشد اقتصادی دارای این ویژگی ممتاز است که امکان بهره‌برداری بهتر و بیشتر از منابع موجود را فراهم می‌کند و با تسهیل تخصیص منابع و توزیع منافع، زمینه لازم برای توسعه اقتصادی را به وجود می‌آورد.

محققانی مانند هال و جونز (۱۹۹۹)، عاصم اغلو و دیگران (۲۰۰۱) نشان می‌دهند که نهادها از عوامل مهم تعیین‌کننده ثروت و رشد بلندمدت هستند.^(۱) بر این اساس، کشورهای این نوع که نهادهای سیاسی و اقتصادی مناسب‌تری داشته باشند، ثروتمندتر خواهند بود (یانکوف و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۳۹۵). آنچه که در قالب ادبیات نهادها در این مطالعه مورد توجه قرار می‌گیرد، مقررات‌گذاری در بازار کار ایران از طریق تدوین و تصویب قانون کار است. بررسی بانک جهانی از ۲۶۰۰۰ بنگاه در ۵۳ کشور در حال توسعه در مورد موانع سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که مقررات‌گذاری در بازار کار، از میان ۱۴ عامل در رتبه ۱۱ قرار دارد که نشان از اهمیت کمتر این عامل در سخت

شدن سرمایه‌گذاری برای بنگاه‌ها دارد (بانک جهانی، ۲۰۰۵، ص ۵). از این رو مناسب خواهد بود تا بررسی شود که آیا مقررات‌گذاری در بازار کار ایران از مجرای قانون کار مانعی برای رشد و توسعه صنایع در ایران بوده است یا خیر.

قانون کار در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۲۵ هـ.ش. به تصویب رسید (قاسمی‌شده، ۱۳۸۴) و در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۳۷ اصلاحاتی در آن انجام شد. قانون کار سال ۱۳۳۷ تا سه دهه بعد از آن مبنای مقررات حاکم بر فعالیت کارگران و کارفرمایان در محیط کسب و کار را تشکیل می‌داد. این قانون در سال ۱۳۶۹ دستخوش تغییراتی گردید و شرایط استخدام، اخراج، پرداختی‌ها و سایر مزایای کارگران را با تحولاتی روبه‌رو ساخت که بررسی پیامدهای این اصلاحات برای اقتصاد ایران از نگاهی خاص، موضوع مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد.

در زمینه پیامدهای قانون کار فعلی (مصوب سال ۱۳۶۹) مطالعاتی انجام شده است که از جمله آنها می‌توان به مطالعه امینی و پژویان (۱۳۸۲) اشاره کرد که به تأثیر اجرای این قانون بر تقاضای نیروی کار پرداختند. کریمی موعاری (۱۳۸۱) و

۱- ادبیات تغییرات ساختاری

آنچه اساس نظریه تغییرات ساختاری را تشکیل می‌دهد، این مطلب است که اقتصادهای در حال توسعه ساختارهای داخلی خود را از کشاورزی سنتی معیشتی به یک اقتصاد مدرن، شهری، خدماتی و صنعتی تغییر می‌دهند. این نظریه از ابزار قیمتی نفوکلاسیک و نظریه تخصیص منابع و اقتصادسنجی نوین استفاده می‌کند تا چگونگی وقوع چنین فرایندی را توضیح دهد (تودارو، ۱۹۹۷، ص ۷۵). این نظریه که به دنبال مطالعه لوئیس (۱۹۵۴) و چنری (۱۹۶۰ و ۱۹۷۵) معرفی شد و توسط دیگران نظیر رانیس (۱۹۸۸) و سیرکوبین (۱۹۸۸) مورد واکاوی قرار گرفت، مبتنی بر مفهوم *دوگانگی*^۱ در اقتصاد است. اقتصاد دوگانه اشاره به وضعیتی دارد که دو بخش کاملاً متفاوت و متمایز در کشور توسعه نیافته وجود دارد. یکی بخش روستایی (کشاورزی) و دیگری بخش شهری (صنعتی).

در الگوی لوئیس در مراحل اولیه فرایند توسعه اقتصادی، بخش روستایی وسیع بوده و بخش قابل ملاحظه‌ای از کل جمعیت کشور را دربرمی‌گیرد. بهره‌وری در این بخش پایین بوده و نیروی کار مازاد در آن وجود

قاسمی‌شده نیز بخشی از مطالعه خود را به ارتباط قانون کار و وضعیت اشتغال اختصاص دادند که بعضی نتایج آنها با یکدیگر متضاد بود. از آنجا که پیامدهای چنین تحولی در قانون کار و شرایط حاکم بر روابط کارگر و کارفرما می‌تواند دامنه‌ای گسترده‌تر از تقاضای نیروی کار و اشتغال داشته باشد و نیز با توجه به عدم انجام مطالعه‌ای در مورد تغییرات ساختاری مترتب بر این تحول نهادی، در این مقاله تلاش می‌گردد تا تأثیر چنین تحولی بر توسعه صنعتی ایران مورد مطالعه قرار گیرد. اهمیت این موضوع در آن است که توسعه بخش صنعت یکی از جنبه‌های مهم تغییرات ساختاری و توسعه اقتصادی در یک کشور در حال توسعه است. بر این مبنای پرسش این است که آیا اصلاحات صورت گرفته در قانون کار در سال ۱۳۶۹ توانسته است با ازدیاد سهم نسبی بخش صنعت از کل اقتصاد، توسعه صنعتی را محقق سازد و به فرآیند توسعه اقتصادی کشور کمک کند؟ یافتن پاسخی روشن برای این سؤال، همچنین به ما کمک می‌کند تا دریابیم آیا مقررات‌گذاری در بازار کار می‌تواند راهکار مفیدی برای بهبود کسب و کار در کشور باشد یا مقررات‌زدایی از آن ثمربخش خواهد بود.

دارد که از سطح دستمزد تأمین کننده حداقل معیشت ارتزاق می‌کند. در مجموع در این مرحله از توسعه، اقتصاد سنتی حاکمیت دارد اما به تدریج با انتقال نیروی کار به بخش صنعتی، انباشت سرمایه افزایش یافته و رشد بخش صنعت حاصل می‌شود.

در الگوی چنری بر فرایندهایی تأکید می‌گردد که از طریق آن ساختار اقتصادی، صنعتی و نهادی یک اقتصاد توسعه‌نیافته در طی زمان تحول یافته و صنایع جدید به عنوان موتور رشد اقتصادی جایگزین کشاورزی سنتی می‌شود. آنچه در این رویکرد حائز اهمیت است، تأکید بر محدودیت‌های داخلی در جریان تغییرات ساختاری است که این محدودیت‌ها شامل منابع طبیعی و مادی نیز هستند (تودارو، ۱۹۹۷، ص ۸۱).

در مجموع بر اساس نظریه تغییرات ساختاری، گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد نوین تا جایی ادامه می‌یابد که کشاورزی (به طور نسبی و در مقایسه با سایر بخش‌ها) به بخشی حاشیه‌ای و ناچیز در کل اقتصاد تبدیل شده و بر عکس بخش صنعت به رشد و شکوفایی خود رسیده است و در واقع حرکتی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی مشاهده می‌شود.

۲- چارچوب نظری

ادبیات توسعه اقتصادی بر پایه نظریه تغییرات ساختاری مبین این مطلب است که رشد تولیدات صنعتی از الزامات توسعه اقتصادی است؛ به گونه‌ای که سهم صنعت (برحسب سطح تولید یا ارزش افزوده) در طول فرآیند توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد. اما چگونه این موضوع تحت تأثیر قانون کار قرار می‌گیرد؟

به موجب قانون کار فعلی که عملاً از سال ۱۳۷۰ به اجرا گذاشته شد، می‌توان ادعا نمود که هزینه‌های نیروی انسانی برای کارفرمایان افزایش یافت. مواردی که در قانون کار فعلی تحت عناوین مختلف و به منظور کمک به نیروی انسانی پیش‌بینی شده‌اند و تفاوت‌هایی با قانون کار قبلی دارند، عبارت‌اند از:

۱. پرداخت‌هایی که به لحاظ انجام کار و مرتبط با آن به کارگر پرداخت می‌شود، شامل مزد، مزایای مرتبط با اضافه کاری، مزایای رفاهی از قبیل حق مسکن، هزینه خواربار و حق عائله‌مندی. بر این اساس در قانون کار فعلی تفاوت‌هایی با قانون قبلی مشاهده می‌شود، از جمله: افزایش پرداخت بابت هر ساعت

پرداخت‌های متعددی را پیش‌بینی کرده است که این پرداخت‌ها موجب افزایش هزینه استفاده از نیروی کار می‌شود. این امر از دو جهت می‌تواند سطح تولید بنگاه‌های اقتصادی را متأثر سازد.

اولین مجرا، تأثیر هزینه‌های به کارگیری نیروی کار بر تقاضای این عامل تولید است. وقتی به موجب قانون کار جدید، کارفرمایان متحمل هزینه‌های بیشتری در قبال استخدام، حفظ و اخراج نیروی کار شوند، بی‌شک تمایل کمتری به تقاضای نیروی کار خواهند داشت و سعی می‌کنند از سرمایه و دیگر نهاده‌ها بیشتر استفاده کنند و آنها را جایگزین نیروی کار سازند. با افزایش هزینه‌های مذکور، هزینه نهایی تولید افزایش می‌یابد و از آنجا که هزینه نهایی رابطه معکوس با تولید نهایی (بهره‌وری نهایی) نیروی کار دارد، تولید نهایی کاهش می‌یابد. این امر با تأثیر منفی بر تقاضای کار، باعث کاهش سطح تولید می‌شود.^(۳) بر همین اساس، امینی و پژویان (۱۳۸۲) در مطالعه خود، تقاضای نیروی کار در کارگاه‌های بزرگ صنعتی را تحت تأثیر قانون کار مطالعه کردند و به تأثیر منفی اجرای قانون کار جدید بر تقاضای کار پی بردند. قاسمی شده (۱۳۸۴) به دو بحث قرارداد کار و

کار اضافی به کارگر، افزایش حداقل سن کارگر، افزایش پرداخت‌های لازم برای اخراج موجه کارگر و افزایش میزان پرداخت حق سنوات برای کارگری با ۲۰ سال سابقه کار که به صورت غیر موجه اخراج گردد (لوح‌حق، ۱۳۸۷).

۲. مزایای اجتماعی که با میزان و نوع کار ارتباط ندارد و به منظور کمک به کارگران پرداخت می‌شود. کمک‌های اجتماعی شامل خدمات حمل و نقل، تربیت بدنی، تهیه مسکن و خانه‌های سازمانی است. پرداخت‌های مرتبط با پایان قرارداد کار شامل یک ماه حقوق در قبال یک سال کار در موارد اخراج، استعفا، بازنشستگی، از کار افتادگی، فوت، پایان قرارداد و یا پایان کار معین است. تأمین اجتماعی نیز شامل درمان، مستمری بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی، فوت و از کار افتادگی جزئی و مستمری بیکاری است.

با توجه به موارد یادشده، قانون کار فعلی به منظور کمک به نیروی کار،

شرایط کار در ایران پرداخت. روند شاخص امنیت شغلی در مطالعه او نشان داد که مقدار این شاخص پس از تصویب قانون کار جدید در سال ۱۳۶۹ نسبت به قانون قبلی نزدیک به دو برابر افزایش یافته است. تخمین اثر مقررات مزبور بر زیرگروه‌های مختلف جمعیتی از طریق الگوی پروبیت نشان داد که وضع مقررات امنیت شغلی به شیوه فعلی، به زیان اشتغال گروه سنی جوان و دارای سطح مهارت پایین بوده است. یافته‌های مطالعه کریمی موغاری (۱۳۸۱) کمی متفاوت با مطالعات دیگر بود. بررسی عملکرد نهادهای بازار کار ایران و تأثیر آن بر اشتغال نشان داد که در نوسانات اشتغال، موانع نهادی مانند قانون کار نقش محدودی داشته و نوسانات تولید باعث نوسانات اشتغال شده است.

مجرای دوم تأثیرپذیری سطح تولید از قانون کار، تأثیر هزینه‌های نیروی کار بر سطح تلاش و بهره‌وری کارگران است که این مسئله گاه مورد غفلت محققان واقع می‌شود. نظریه‌های دستمزد کارایی^۲ که توسط کینزی‌های جدید در تبیین چسبندگی دستمزد ارائه شده‌اند، بیان می‌دارند که «بنگاه‌ها علاقه‌ای به کاهش دستمزد

حقیقی ندارند، زیرا بهره‌وری (تلاش یا کارایی) کارگران مستقل از دستمزد نیست، بلکه دستمزد حقیقی و تلاش کارگران (لااقل در محدوده با معنایی) ارتباط متقابل دارند ... بر این اساس کاهش دستمزد منجر به کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌ها می‌شود» (اسنودون و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۹۶). دلالت ضمنی نظریه‌های دستمزد کارایی در زمینه موضوع تحت بررسی ما این است که چون قانون کار فعلی بیش از پیش نیروی کار را منتفع می‌سازد و پرداختی‌های مختلفی را برای آن در نظر گرفته است، این اقدام می‌تواند گاهی در جهت تلاش بیشتر و پرهیز از کم‌کاری نیروی کار در حین فعالیت باشد که نتیجه آن افزایش تولید نهایی (بهره‌وری نهایی) کارگران است. این امر خود می‌تواند در جهت افزایش تقاضای کار و از این رو افزایش تولید عمل نماید.

بحث‌های نظری مطرح‌شده، دلالت بر این دارند که قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ از جانب کارفرما و به واسطه کاهش دادن تقاضای کار، اثر منفی بر تولید دارد و از جانب نیروی کار تمایل به افزایش بهره‌وری و لذا افزایش تقاضای کار و سطح محصول دارد. بنابراین دو نیروی متضاد در تأثیرگذاری قانون کار بر رشد تولید عمل می‌کنند و

گرفتن انتگرال از دو طرف رابطه (۲) نسبت به نیروی کار (L)، تابع سود تولیدکننده به دست می‌آید:

$$\pi = p \cdot Q(L, K) - W \cdot L \quad (۳)$$

در تابع (۳)، π نماد سود، K نماد سرمایه و Q سطح محصول است. از این رو، تابع تولید به صورت تابعی که در آن مقدار محصول تابعی از نیروی کار و سرمایه است به دست می‌آید و از آنجا که تقاضا برای نیروی کار خود تابعی از وضعیت مقررات کار است، لذا تابع تولید نیز تابعی از سرمایه و قانون کار خواهد بود و به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

$$Q = Q(K, L(R)) \quad (۴)$$

در تابع تولید (۴) فرض می‌شود که بازدهی ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد. تابع $L(R)$ را به صورت مضربی از N و R تعریف می‌کنیم و عبارت حاصل را نیروی کار مؤثر می‌نامیم که به معنای نیروی کاری است که از وضعیت قوانین و مقررات تأثیر می‌پذیرد و لذا داریم $L(R) = N \cdot R$ که در آن N نیروی کاری است که مستقل از وضعیت مقررات بازار کار است. بنابراین تابع تولید (۴) به صورت زیر تبدیل می‌شود.

$$Q = Q(K, N \cdot R) \quad (۵)$$

برآیند این دو، جهت‌گیری نهایی را مشخص می‌سازند. این چارچوب نظری پایه‌ای برای طراحی الگو به منظور شناسایی اثر نهایی تحولات قانون کار بر رشد سهم بخش صنعت خواهد بود.

۳- الگو

مفهوم اساسی تشکیل‌دهنده الگو در بحث حاضر، وجود عامل قوانین و مقررات در تابع تقاضای نیروی کار است. همان‌گونه که بحث شد، تقاضای نیروی کار حلقه واسط میان تغییرات نهادی یا به عبارت دیگر تحولات قانون کار در این مطالعه و سطح محصول است. بر این مبنا، تابع تقاضای نیروی کار یک تولیدکننده صنعتی را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$L = L(W, R) \quad (۱)$$

در تابع (۱)، L نماد میزان تقاضای نیروی کار، W نرخ دستمزد و R شاخص مقررات‌گذاری است. فرض می‌شود که در بازار محصولات صنعتی، رقابت کامل برقرار است^(۳) و لذا شرط حداکثرسازی سود تولیدکننده به صورت زیر خواهد بود:

$$p \cdot mp_L = W \quad (۲)$$

که در این رابطه، p قیمت محصول و mp_L تولید نهایی نیروی کار است که تابعی از دو نهاد نیروی کار و سرمایه است. با

$$q_{it} = \alpha + \beta.Electricity_{it} + \gamma.Gas_{it} + \lambda.N_{it} + \theta.R_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۶)$$

متغیر وابسته q به صورت نسبت ارزش تولیدات هر یک از صنایع کشور به کل تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه تعریف شده است. β ، γ و λ به ترتیب ضرایب متغیرهای برق، گاز طبیعی و نیروی کار هستند به صورتی که هر یک از متغیرهای یادشده نسبتی از کل مقدار همان عامل در کل اقتصاد است.^(۵) تمام متغیرهای یادشده به صورت لگاریتمی در معادله حضور دارند. متغیر قانون کار (R) یک متغیر مجازی^۴ است که به دو شکل از آن استفاده می‌شود. در حالت اول یک متغیر مجازی برای کل صنایع در نظر گرفته می‌شود که در سال‌های اجرای قانون کار فعلی مقدار یک و در سایر سال‌ها مقدار صفر را اختیار می‌کند. در حالت دوم، یک متغیر مجازی برای هر یک از صنایع نه گانه در نظر گرفته می‌شود. در چنین حالتی برای یک صنعت خاص، مقدار منفی یک، قبل از اجرای قانون کار فعلی و مقدار یک برای دوره اجرای قانون در نظر گرفته می‌شود و سایر صنایع چه قبل و چه بعد از اجرای قانون مقدار صفر به خود می‌گیرند. مزیت چنین اقدامی آن است که

تابع تولید (۵) به عنوان مبنای طراحی الگوی رگرسیونی لحاظ می‌شود. این تابع را در حالت کاب - داگلاس در نظر گرفته و با تبدیل لگاریتمی آن را به صورت خطی در نظر می‌گیریم، اما از آنجا که به دنبال بررسی تغییرات ساختاری در اقتصاد هستیم، هر یک از متغیرها (به جز متغیر قانون کار) را به صورت نسبتی از کل اقتصاد برای متغیر مزبور مد نظر قرار می‌دهیم.

یکی از مشکلات استفاده از تابع تولید (۵)، عدم دسترسی به داده‌های موجودی سرمایه است. برای رفع این مشکل به ناچار از متغیرهای جانشین^۳ برای سرمایه استفاده می‌کنیم. متغیرهای جانشین عبارت‌اند از سوخت و انرژی که شامل برق و گاز طبیعی مورد مصرف صنایع هستند. دلیل این انتخاب دو مطلب است. یکی اینکه سوخت و انرژی خود از نهاده‌های مهم تولید در بخش صنعت هستند و دیگری آن که تجهیزات سرمایه‌ای بدون استفاده از سوخت و انرژی قادر به فعالیت نیستند و لذا میزان مصرف سوخت و انرژی به طور ضمنی اشاره به میزان سرمایه مورد استفاده دارد.^(۴)

بر اساس توضیحات ارائه شده، الگوی رگرسیونی زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

4. Dummy Variable

3. Proxy

۹. صنایع متفرقه.

داده‌های مربوط به ارزش تولیدات، نیروی کار شاغل، برق و گاز طبیعی مصرفی صنایع نه‌گانه از نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر و نیز نتایج آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، به دست آمده است. داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی، برق و گاز مصرفی کل اقتصاد از طریق بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی و آمار نیروی کار شاغل کل اقتصاد از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جمع‌آوری شده است.

دوره زمانی مورد استفاده شامل سال‌های ۸۱-۱۳۶۷ می‌شود که دلیل استفاده نکردن از سال‌های قبل از ۱۳۶۷، فقدان اطلاعات مربوط به برق مصرفی صنایع است. در دوره مذکور، سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ به دلیل در دسترس نبودن داده‌های برخی از متغیرها از نمونه حذف شده‌اند و لذا در این مطالعه از ۱۱۷ مشاهده استفاده شده است. با توجه به توضیحات ارائه‌شده در مورد داده‌ها و دوره زمانی، اندیس پایین t در معادله (۶) اشاره به هر یک از صنایع نه‌گانه و اندیس پایین t اشاره به سال مورد مشاهده

اثر اجرای قانون کار فعلی در هر یک از صنایع متمایز می‌گردد.

۴- داده‌ها، روش برآورد و نتایج

به منظور برآورد معادله رگرسیونی (۶)، از داده‌های ترکیبی^۵ آن دسته از کارگاه‌های صنعتی کشور استفاده شده است که دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر هستند. دلیل انتخاب این دسته از کارگاه‌های صنعتی، امکان جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آنها بوده است. این صنایع بر اساس کدهای دو رقمی در ویرایش دوم طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی در بخش صنعت (ISIC) در نه گروه^(۶)، به صورت زیر طبقه‌بندی می‌گردند:

۱. صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات،
۲. صنایع نساجی، پوشاک و چرم،
۳. صنایع چوب و محصولات آن،
۴. صنایع کاغذ، صحافی، چاپ و انتشار،
۵. صنایع شیمیایی، نفت و ذغال سنگ،
۶. صنایع کانی‌های غیرفلزی،
۷. صنایع فلزات اساسی،
۸. صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات،

دارد و α جزء ثابت مشترک و ε_{it} جزء اخلال رگرسیون است.

استفاده از داده‌های ترکیبی برای دست یافتن به برآوردهای دقیق‌تر و قابل اعتمادتر بسیار مناسب است و مزایای بسیاری نسبت به داده‌های مقطعی یا سری زمانی دارد. برخی از مهم‌ترین مزیت‌های این نوع داده‌ها آن است که:

(الف) تعداد مشاهدات و داده‌ها را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود اعتماد به برآوردها بیشتر شود.

(ب) زیاد بودن مشاهدات مسئله هم خطی را تا حدود زیادی حل می‌کند، چون داده‌ها هم در طول زمان و هم در میان مقاطع (صنایع) تغییر می‌کنند، احتمال کمتری می‌رود که متغیرها با یکدیگر هم خطی زیادی داشته باشند.

(ج) گاهی استدلال می‌شود که داده‌های مقطعی، رفتارهای بلندمدت را نشان می‌دهد، در حالی که در داده‌های سری زمانی بر آثار کوتاه‌مدت تأکید می‌گردد. با ترکیب این دو خصوصیت در داده‌های ترکیبی که ویژگی متمایز این داده‌هاست، ساختار عمومی‌تر و پویاتری را می‌توان تصریح و برآورد کرد.

(د) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های داده‌های ترکیبی این است که تورش برآورد را از بین

می‌برد یا کم می‌کند (اشرف‌زاده و مهرگان، ۱۳۷۸، صص ۴۲-۴۱). این ویژگی اهمیت

اساسی در مطالعه حاضر دارد. از آنجا که به نوعی به دنبال برآزش تابع تولید هستیم، اگر از یک یا چند متغیر غفلت گردد و ما از داده‌های مقطعی برای برآورد الگو استفاده کنیم، تورش زیادی ایجاد می‌شود، اما داده‌های ترکیبی می‌توانند این تورش را برطرف سازند، زیرا می‌توان اثر متغیر یا متغیرهای نهفته و مخفی را با معرفی آثار انفرادی مجزا کنترل کرد (خواه این آثار انفرادی، ثابت یا تصادفی باشد) و بنابراین تورش را از بین برد.

معادله (۶) با رویکرد آثار ثابت^۶ و به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۷ (GLS) برآورد می‌گردد که نتایج آن در نگاره شماره (۱) ارائه شده است.

ستون (۱) در نگاره (۱)، نتایج برآورد با در نظر گرفتن یک متغیر مجازی کلی برای قانون کار را نشان می‌دهد. با توجه به معناداری ضرایب، تنها سهم گاز مصرفی صنایع دارای اثر معناداری نیست و سایر متغیرها به خصوص قانون کار قویاً اثر معناداری بر متغیر وابسته دارند. بر اساس این نتایج، هرچه سهم برق مصرف‌شده در

6. Fixed Effects

7. Generalized Least Squares

نگاره شماره (۱). پیامدهای اجرای قانون کار فعلی در بخش صنعت. متغیر وابسته: سهم تولیدات صنایع از تولید ناخالص داخلی

متغیرهای مستقل	(۱)	(۲)
جزء ثابت	-۳/۳ (۰/۰۵۵)	-۷/۰۴ (۰/۰۰۶)
سهم برق مصرفی	-۰/۶۳ (۰/۰۰۰)	-۰/۷۳ (۰/۰۰۰۲)
سهم نیروی کار	۱/۰۱ (۰/۰۰۱)	۰/۱۵ (۰/۰۰۸)
سهم گاز مصرفی	۰/۰۸ (۰/۰۳)	۰/۱۵ (۰/۰۰۲)
قانون کار	۲/۴۵ (۰/۰۰۰۰)	
قانون کار در صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات		۱/۳۳ (۰/۰۰۰۰)
قانون کار در صنایع نساجی، پوشاک و چرم		۰/۸۴ (۰/۰۰۰۰)
قانون کار در صنایع چوب و محصولات آن		۰/۳۰۶ (۰/۰۰۲)
قانون کار در صنایع کاغذ، صحافی، چاپ و انتشار		۱/۲۲ (۰/۰۰۰۰)
قانون کار در صنایع شیمیایی، نفت و ذغال سنگ		۱/۷۱ (۰/۰۰۰۰)
قانون کار در صنایع کانی‌های غیرفلزی		۱/۳۶ (۰/۰۰۰۰)
قانون کار در صنایع فلزات اساسی		۱/۸۹ (۰/۰۰۰۰)
قانون کار در صنایع ماشین آلات و تجهیزات		۱/۵۸ (۰/۰۰۰۰)
آماره R^2	۰/۹۲	۰/۹۵

نکته: اعداد داخل پرانتز حداقل سطح

معناداری را نشان می‌دهند.

صنایع افزایش یابد، نسبت ارزش تولیدات آنها به تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد، اما عکس این موضوع برای نیروی کار برقرار است. آنچه حائز اهمیت است، مثبت بودن ضریب قانون کار است. این یافته بیانگر آن است که اجرای قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ توانسته است سهم صنعت در تولید کل اقتصاد را افزایش دهد و از این رو می‌توان قانون کار فعلی را گامی در جهت کمک به توسعه صنعتی ایران دانست.

ستون (۲)، نتایج برآورد معادله (۶) با توجه به تفکیک اثر اجرای قانون کار در صنایع مختلف را نشان می‌دهد. در این رابطه، هشت متغیر مجازی مربوط به صنایع مشخص شده در نگاره در نظر گرفته شده؛ به طوری که صنعت نهم یعنی صنایع متفرقه به عنوان گروه پایه یا حذف شده انتخاب شده است. این بار اثر گاز طبیعی مثبت و معنادار است و نیروی کار اثری بی‌معنی دارد، اما همچنان اثر انرژی برق منفی و معنادار است. نکته مهم در این برآورد آن است که قانون کار در هر یک از صنایع قویاً اثر مثبت و معناداری بر سهم ارزش تولیدات از تولید ناخالص داخلی دارد.

در مجموع یافته‌ها حکایت از این دارند که تحولات قانون کار در سال ۱۳۶۹ به منزله یک تغییر نهادی بود که به ایجاد تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران کمک نموده و هرچند منافع کارگران را بیشتر مدنظر قرار داده، اما در نهایت برای تمام صنایع کشور منافی را به همراه داشته است.

فرجام

بررسی ادبیات اقتصاد نهادی بیانگر آن است که نهادها از مهم‌ترین عوامل دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و گذار از اقتصاد توسعه‌نیافته به توسعه‌یافته است. اهمیت این موضوع تا بدانجاست که برخی محققان دریافته‌اند که نهادها توضیح‌دهنده چرایی موفق بودن برخی اقتصادها در مقایسه با سایرین هستند. آنچه در این مطالعه بر آن تمرکز گردید، وضع مقررات در قالب قانون کار به عنوان یک نوع نهاد است و تلاش گردید تا اثر تغییرات این قانون که در سال ۱۳۶۹ به وقوع پیوست، در بخش صنعت بررسی شود.

با توجه به مختصات اصلاحات صورت‌گرفته در قانون کار، بحث‌های نظری پیش‌بینی‌های متضادی در مورد پیامدهای قانون کار فعلی دارند. برخی استدلال‌ها بیان می‌کنند که قانون کار فعلی از جانب رفتار

کارفرمایان در استخدام نیروی کار می‌تواند آثار سوئی بر تولید داشته باشد، اما در طرف مقابل استدلال‌هایی بر اساس نظریه‌های دستمزد کارآیی وجود دارند که بر تأثیرپذیری رفتار کارگران از اصلاحات قانون کار و تأثیر مثبت بر بهره‌وری تأکید می‌کنند. یافته‌های این مطالعه حکایت از آن دارند که قانون کار فعلی پیامد مثبتی برای صنایع کشور داشته است؛ به صورتی که افزایش سهم بخش صنعت از کل اقتصاد را رشد بخشیده و این مطلب مؤید وقوع تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران و توسعه بخش صنعت است. بنابراین می‌توان گفت که همانند آنچه بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ گزارش نموده است، مقررات‌گذاری در بازار کار ایران نیز مانع جدی برای سرمایه‌گذاری در صنایع و توسعه صنعتی نیست.

پانویس‌ها

۱. رودریک (Rodrik, 1999) و گلیسر و دیگران (Glaeser et al., 2004) نیز به اهمیت نهادها در رشد اقتصادی پی بردند.
۲. بنابراین می‌توان گفت که قانون کار فعلی به سخت‌تر شدن شرایط انعقاد قرارداد میان کارگر و کارفرما منجر شده است.
۳. از این رو سود بنگاه در بلندمدت صفر است.

مبنای نگرش حقوق و اقتصاد، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

۵. کریمی‌موغاری، زهرا (۱۳۸۱)، **تأثیر عملکرد نهادهای بازار کار ایران بر سطح اشتغال**، سمینار ارائه نتایج طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص.
۶. لوح‌حق، (بهار ۱۳۸۷)، **مجموعه قوانین و مقررات کشور**، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر فناوری‌های نوین.
۷. مرکز آمار ایران، **نتایج آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی**، سال‌های ۷۰-۱۳۶۷.
۸. مرکز آمار ایران، **نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر**، سال‌های ۸۱-۱۳۷۳.

منابع لاتین

9. Acemoglu, Daron, Simon Johnson & James A. Robinson, (December 2001), The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation, *The American Economic Review*, Vol. 91, No. 5.
10. Chenery, H.B., (September 1960), "Patterns of Industrial Growth", *American Economic Review*, Vol.50, No.4.
11. Chenery, H.B., (May 1975), "The Structuralist Approach to Development Policy", *American Economic Review*, Vol.65, No. 2.
12. Djankov, Simeon, Caralee McLiesh & Rita Maria Ramalho, (September 2006), "Regulation and Growth", *Economics Letters*, Vol. 92.

۴. تانگ و وانگ (Tang & Wang, 2005) نیز در تحلیل خود از بهره‌وری صنایع در کانادا از چنین رویه‌ای برای استفاده از متغیرهای جانشین برای موجودی سرمایه تبعیت کردند.

۵. دلیل انتخاب گاز و برق این است که مقدار مصرف منابع دیگر انرژی مانند نفت، بنزین و غیره برای کل اقتصاد در دسترس نبوده است تا این متغیرها را به صورت سهمشان از کل اقتصاد تعریف نماییم.

۶. از سال ۱۳۷۳، ویرایش سوم I.S.I.C در طبقه‌بندی صنایع مورد استفاده قرار گرفته است که بر اساس کدهای دو رقمی، صنایع در قالب ۲۳ گروه طبقه‌بندی شده‌اند. از این رو صنایع در ویرایش سوم ادغام شده‌اند تا در قالب کدهای دو رقمی ویرایش دوم در نه گروه قرار گیرند.

منابع فارسی

۱. اسنودن، برایان، اچ وین و پی وینار کوویچ (۱۳۸۳)، **راهنمای نوین اقتصاد کلان**، ترجمه سید منصور خلیلی عراقی و علی سوری، تهران: انتشارات برادران.
۲. اشرف‌زاده، سید حمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۷۸)، **اقتصاد سنجی پانل دیتا**، تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
۳. امینی، علی‌رضا و جمشید پژویان (اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲)، تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار در کارگاه‌های بزرگ صنعتی ایران، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۷۸.
۴. قاسمی‌شده، محمد (۱۳۸۴)، **بررسی دو مبحث از قانون کار ایران (قرارداد کار و شرایط کار) بر**

20. Todaro, Michael P., (1997), *Economic Development*, Addison-Wesley Publishing Company, 6th Edition, New York.
21. World Bank, (2005), *World Development Report: A Better Investment Climate for Everyone*, A Copublication of The World Bank and Oxford University Press.
13. Glaeser, Edward L., Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, Andrei Shleifer, (September 2004), "Do Institutions Cause Growth", *Journal of Economic Growth*, Vol.9, No. 3.
14. Hall, Robert E. & Charles I. Jones, (February 1999), " Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others?", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 114, No.1.
15. Lewis, W.A., (1954), *Economic Development with Unlimited Supplies of Labor*, The Manchester School of Economic and Social Studies.
16. Ranis, Gustav, (1988), Analytics of Development: Dualism", *Handbook of Development Economics*, Vol.1.
17. Rodrik, Dani, (December 1999), "Where Did All the Growth Go? External Shocks, Social Conflict and Growth Collapses", *Journal of Economic Growth*, Vol.4.
18. Syrquin, Moshe, (1988), "Patterns of Structural Change", *Handbook of Development Economics*, Vol.1.
19. Tang, Jianmin & Weimin Wang, (2005), "Product Market Competition, Skill Shortages and Productivity: Evidence from Canadian Manufacturing Firms", *Journal of Productivity Analysis*, Vol. 23.